

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده
شهر - اسن - المان

خلوتگاهِ راز

بیا و رخ بنما ، دلبرانِ شیدا را
شرابِ وصل چشان ، عاشقانِ رسوا را
عَطَشِ فرو بنشان ، بار حیقِ مختومت
به کامِ تشنه چشان ، قطره های احلا را
فگن به دور ، حجابی ز سر مکنونت
به فضلِ خویش نما حلّ این معمارا
به بحرِ وصلِ تو ، بی ناخداست زورقِ دل
به هر طرف که کشانی ، امیدِ تنها را
در انتظارِ تو ام ، آنچنان که میریزی
به مجمرِ دلِ مجنون ، سپندِ لیلا را
درونِ سینه دلم در فغان و فریاد است
که توند بادِ حوادث ، کجا برد ما را
به ساحلی که محبت فگنده لنگرِ هجر
به نقدِ جان نخرد هر کسی چلیپا را
به دامِ رنگ و هوس ، گر کسی گرفتار است
به پَر کاهی دهد ، زیورِ مُطلا را

هر آنکه از حرمِ عشق ، عاشقی آموخت
به رنگ و بو ندهد ، نمله های ادنا را
مقامِ فقر ، میسر نمی شود به کسی
مگر که طی بکُند ، وادی های معنا را
به کعبه و به کلیسا و مسجد و به کنشت
نه ذوق و شوق بوَد عارفانِ یکتا را
به بارگاهِ حضورش ، خمار و مست و خراب
به عالمی ندهد ، خلوتِ دلآرا را
به جست و جوی جمالش کجا روی « نعمت »
جلا و صیقلی ، آیینه های دلها را